

بر پیشکش چو بوی که بودش
 که بچشم خوشتر میبودش
 چه از شیرین و شاقانگه
 چه از زرین کلام که سبند
 چه از اسبان زمین دراز
 چه از مویز و ابریشمین
 چه از نازک کوی خرد
 رشت تهای نوشین رنگ
 بدینهاروی محرابی است
 تعلق ما نمودی در ما خواست
 بفرود آمدن ره را نامزد کرد
 در آن جا در منزل کاوه کرد
دیدن زین عزیز مهر را از شکاف نیمه در فایده برداشتن
که این آن کیش است که من در خواب دیده ام و سالها اندوه
 کین چرخ شمشیر حقه باز است
 لی از مردم حیل ساز است
 یا میسندند بر بدلی است
 ببرد آخر تو میباش بود
 نماید موه که میش از دور
 کند خاطر بنا که میش کج
 عزیز مصر چون افکنند سایه
 در آن خیمه زین بود در ایام

بجان از وی امید وصل نراده
 نوای تی نوید وصل داده
 بر آورده که یکم نوسره نه
 ربابه تاب غم جانرا امان
 کوه در دست ره کو بان بود
 در افکنده دف این اداره
 بره در دستا و عیشش در بند
 بدین آیین رخ اندر نه نما
 بان خوش میله و میان رسیدن
 چو هر چون یکد منزل بر بند
 زده در روی هزاران قندوز
 زمینی یافتند از تری دور
 بسایه زلال ماریده
 تو کوبی ابر چرخ بیکناره
 زغبان صفت که در پیش پای
 چو صبح از بر تو خورشید خیزد
 کشیده در میان بار کاهی
 بسوی بار که شد خوشتر از
 عزیز مهر چون آن بار کوب
 باقبال زمین پوشش رسیدن
 چو کل در روی نشاز خنده
 ز آن سبب هوا و محنت راه
 فرود آمد خسروان
 میقان حرم پیشش دیدن
 یکایک سلام و در حق
 قفیل کرد از ایشان حال آنه

ز خوش

برسم

Copyright © King Saud University